

دهن کجی به تاریخ و خدمت به راست افراطی

هر مبارز راه آزادی و عدالتخواهی که اندک آشنائی با تاریخ چند دهی اخیر ایران داشته و به آرمان خود متعهد مانده باشد میدانند که جریان سلطنت‌طلب، جز عقیم ساختن انقلاب ضد رژیم اسلامی و تکیه‌زدن مجدد بر اریکه‌ی دیکتاتوری و چپاول، خاصیت و هدف دیگری ندارد .

وقتیکه دستگاه تحمیق و مفت‌خوری آخوندهای پروار شده توسط رژیم شاه، در سال ۵۷ توانست با کمک امپریالیستها سوار موج مبارزه‌ی توده‌ها شود و بر جان و مال و هست و نیست مردم حاکم گردد، حال که جنایات بی حد و حصر رژیم اسلامی ماتریالی برای تطهیر جنایات رژیم پهلوی از سوی جریان‌ات دست‌راستی و فاشیستی فراهم کرده است چرا نوهی رضاخان و شرکا نیز نتوانند همان برنامه را تکرار کنند؟! تاج‌دار سابق با توسل به شکنجه و زندان و کشتار نتوانست توده‌های میلیونی معترض را سرکوب کند، لذا وظیفه‌ی سرکوب را به عمامه‌دار سپرد و خود ثروتی بی‌حساب به بیغما برد و به خارج از ایران گریخت؛ عمامه نیز پس از قتل ده‌ها هزار نفر در مرحله‌ی سقوط است، هنگام آنست که تاج از نو بر سر حامل ژن نرینه‌ی سلسله‌ی پهلوی یعنی نوهی رضاخان بنشیند و ایشان همراه با تشنگان پست‌های نان و آبدار و کیسه‌دوختگان ثروت‌های بادآورده، دستگاه سرکوب رژیم اسلامی را رنگ و لعابی تازه بزند و سند "ملک آباء و اجدادی" را دوباره بنام پهلوی ثبت کند! این تمام فلسفه‌ی "اپوزیسیون" بازی پهلوی‌چی‌ها و شرکای داخلی و خارجی آن و محتوای منشور وصله‌پینه‌ای اخیر آنها در خدمت حفظ بنیادهای ستم و سرکوب ست .

اگر در بین عامه‌ی مردم کسانی از سر استیصال یا از روی ناآگاهی و کج‌فهمی به "فعالیت" پهلوی‌چی‌ها دل خوش کنند جای شگفتی نیست اما چنانچه شخصی

همچون رفیق قدیمی ما عبدالله مهدی مبلغ و همراه چنین جریان بدنامی گردد، اگر نگوئیم تعجب آور ولی بسیار جای تأسف است. من حدود دو سال و نیم پیش در ویدئویی به زبان کوردی چنین گفته بودم: "کاک عبدالله در ارتباط با اپوزیسیون شوونیست ایرانی نیز آنچنان به راست چرخیده است که چه بسا از این لحاظ حزب دموکرات در چپ ایشان قرار بگیرد. متأسفانه کاک عبدالله در توری از دلالتان فاشیست و رند ایرانی افتاده که او را به وسیله‌ای برای خام کردن مردم کردستان در دفاع از حقوق خود در برابر حکومت مرکزی آینده‌ی ایران و "تمامیت ارضی" گرایان تبدیل کرده‌اند" (اکتبر ۲۰۲۰). افسوس که ایشان در ادامه‌ی چنان مشیی به همراهی و معاملات آشکار و نهان با رضا پهلوی و اعوان و انصار او گام نهاده و از طریق چنین ساخت و پاخت‌هایی، هم به حقوق و مبارزات ملت کورد و دیگر ملیتها و هم به امر دموکراسی و خواستهای زحمتکشان در سراسر ایران پشت کرده و هم در دهن کجی به تاریخی که خود نیز در آن سهمیم بود با سلطنت‌طلبان هم‌رنگ گشته است؛ دورانی از ستمگری و شکنجه و جنایات رژیم شاه که سلطنت‌طلبان خواهان بفراموشی سپردن آنند و مبارزه‌ای که میخواست این سیستم را برای همیشه به گور بسپارد و جماعت مزبور همواره با نفرتی طلبکارانه از آن یاد کرده‌اند .

عبدالله مهدی در تمجید از رضا پهلوی تا آنجا پیش میرود که ایشان را "سرمایه‌ی سیاسی" مینامد! آری ایشان سرمایه‌ی سیاسی است؛ اما برای کی؟ ... برای جوانان و زنان و مردان بی‌پاخاسته و جان‌برکف رزمگاه آزادی و درهم‌شکستن رژیم بچه‌کش میراث‌خوار سلطنت؟ یا بنا به بیان صریح خود رضا پهلوی (که در منشور کذائی نیز منعکس شده) برای مصون داشتن دستگاہهای سرکوب و جنایت اسلامی از ضربات جبهه‌ی انقلاب؟ ... برای تأمین حقوق پامال شده‌ی ملل ساکن ایران؟ یا اعلام آمادگی برای سلاخی مجدد آنان تحت عنوان "حفظ تمامیت ارضی ایران"؟ ... - برای عرصه‌ی دیپلماسی و تأمین ارتباطات بین‌المللی جنبش آزادیخواهانه‌ی ایران؟ این امر نیازی به کسانی که هرگز گردی به روی

مبارکشان ننشسته و حتی جرأت گفتن شعار بی‌خاصیت و عقیم "رضا شاه روحت شاد" را نداشته و بسیجی‌های رژیم اسلامی آنرا برایشان انجام داده‌اند، ندارد. زنان رزمنده و دیگر توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده و آگاه که همه‌ی رنجهای انقلاب را به جان خریدند، قالب کردن حکومت دست‌نشانده و دیکتاتور دیگری را بر نخواهند تافت و رهبران سیاسی دلسوز و مبارز و متعهد خود را خواهند یافت و به میدان خواهند آورد ...

کار به جایی رسیده است که دارودسته‌ی والاحضرت در رسانه‌های وابسته، آشکارا خواهان مجازات آنهایی (از جمله خود عبدالله مهدی!) شده‌اند که در برابر رژیم اسلامی دست به مبارزه مسحانه زده‌اند! عده‌ای اعلام کردند چه اینگونه موضع‌گیری‌ها و چه لاتیگری و قلدربازی شعبان بی‌مخ‌های صفوف تظاهرات خارج کشور کار "عناصر سرخود" بوده‌است و ربطی به رضا پهلوی ندارد. گویا این حضرات هنوز به کارایی چنین گفتمانی که "شاه (یا امام یا رهبر) خودش خوب است ولی اطرافیانش بدند" باور دارند و شگفت نیست اگر بیعت‌کنندگان با پهلوی به چنین "روشنگری"‌هایی که مخاطبین خود را نادان فرض میکنند روی آورند .

نتیجه‌گیری:

۱- یکی از مهم‌ترین وجوه هویت سیاسی و برنامه‌ای کومه‌له که در دهه‌ی چهل شمسی شکل گرفت، مبارزه علیه رژیم آزادی‌کش سلطنتی بود (و هست)؛ عبدالله مهدی با پیوستن به پروژه‌ی سلطنت‌خواهان، به این هویت کومه‌له پشت کرده و به آن لطمه زده است. بدیهی است که در ایران دموکراتیک آینده سلطنت‌طلبان نیز حق فعالیت سیاسی خواهند داشت؛ اما این امر به معنای این نیست که جریان آزادیخواهی باید بدانها اتکا و اعتماد کند. کاملاً برعکس؛ یکی از وجوه دستیابی به آزادی و دموکراسی در ایران، افشاکردن و منزوی ساختن چنین جریان راست افراطی است.

ایشان همچنین برای بزرگ‌نمایی در مورد نیروی گردآمده به دور خود، اینجا و آنجا خود را تنها نماینده‌ی کومه‌له و کومه‌له را همچون ملک شخصی خویش مینمایاند؛ در حالی‌که تشکیلات و جریانات و منفردین بسیاری از هم‌نسلان ما هستند که خود را در پیوند با هویت کومه‌له تعریف میکنند. هرچند وقتی‌که ایشان بر اساس فلسفه‌ی "هر که را زر در ترازوست، زور در بازوست"

بازماندگان و مدافعین گورستان سیاسی پهلوی را سرمایه‌ی سیاسی مینامد، شاید انتظار نابجائی است که به عاقبت مسیر و روشی که در پیش گرفته بیندیشد.

۲- ایستادگی و مبارزه‌ی دهها ساله و پیشتازانه‌ی مردم کردستان علیه قوم قاتل و غارتگر اسلامی ایران، منزلت سیاسی و معنوی خلق کورد را در میان زنان و دیگر توده‌های ستمدیده و مبارز ایران بسیار بالا برده است. خلق کرد در چنین موقعیتی میتواند و باید از طریق سازمانها و جریانات سیاسی مدافع واقعی خود در همه‌ی زمینه‌های ملی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره به پلاتفرم مشترکی دست یابد که با اتکا به نیروی متحد خود همه جا (از جمله در عرصه‌ی بین‌المللی) از آن دفاع کرده و آینده‌ی روشن و امید بخشی چه برای ملت کورد و چه برای دیگر ملیتها و توده‌های ستمدیده‌ی ایران رقم بزند. صد افسوس که موضع و رفتار سیاسی عبدالله مهندی بعنوان یک شخصیت سیاسی کورد، برای پذیرفته شدن در راست‌ترین جناح سیاسی از طریق به مناقصه گذاشتن سرنوشت ملت کورد و آمال جنبش سرنگونی‌خواهی و دموکراسی و عدالت اجتماعی همه‌ی مردمان و ملیتهای ایران، به سهم خود هم به اعتبار و محبوبیت ملت کورد لطمه زده و هم به تفرقه در عرصه‌ی سیاسی کردستان دامن زده است. آرزو دارم بخود بیاید و راه بهتری بیابد.

شعیب زکریائی ۱۳ مارس ۲۰۲۳